

یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (رابطه آمریکا و عربستان)
علی باقری زاده^۱ - شهرام عسکری حصن^۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۴

چکیده:

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را می‌توان یکی از بزرگترین حوادث تروریستی نامید که پیامدهای کثیری را به لحاظ نظامی، اقتصادی، و سیاسی برای جامعه جهانی به دنبال داشت. نکته قابل تامل در این حادثه رویکرد مبهم آمریکا در عدم معرفی عامل اصلی این حادثه است. در این مقاله سعی داریم نقش عربستان در ۱۱ سپتامبر، و جهت گیری آمریکا نسبت به نقش عربستان را از منظر «اقتصاد و انرژی» بررسی کنیم. در پاسخ به این سوال که «اقتصاد و انرژی» چه تاثیری در جهت گیری آمریکا نسبت به نقش عربستان در ۱۱ سپتامبر دارد؟ فرضیه اصلی بر این مبناست، با توجه به اهمیت فزاینده‌ای که انرژی در راستای حفظ جایگاه آمریکا بعنوان هژمون اقتصادی دارد باعث شده است که آمریکا نقش عربستان را در ۱۱ سپتامبر پنهان کند. یافته‌های تحقیق نشان از تایید فرضیه مذکور دارد که آمریکا به دلیل دارا بودن جایگاه هژمون اقتصادی، و متعهد به جریان مستمر عرضه انرژی نقش عربستان در ۱۱ سپتامبر را نادیده انگاشته است

واژگان کلیدی: یازده سپتامبر، تروریسم، وابستگی متقابل، ثبات هژمونی، آمریکا، عربستان

سعودی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران: (نویسنده مسئول)
ali_bagherizadeh@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران
shahram.askari1989@gmail.com

مقدمه

اقدامات تروریستی با سرعتی فزاینده در آغاز هزاره سوم تهدیدات فوری زیادی را متوجه امنیت تمام کشورها ساخته است. شامل تهدیدات فوری با ماهیت امنیتی که قابل تسری به شکلی گسترده در سطح کلان می‌باشد. حادثه ۱۱ سپتامبر به عنوان بزرگ‌ترین اقدام تروریستی (مدرن) معاصر که در نوع خود بیشترین هزینه مالی و انسانی را برجا گذاشت، شامل یک سری حملات انتحاری و تروریستی است. این عملیات با هماهنگی کامل میان عناصر تروریست در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به وقوع پیوست. صبح یازده سپتامبر ۱۹ نفر که به گفته منابع غربی از اعضای القاعده بودند، چهار هواپیما را ربودند و در روز حادثه به ترتیب و با فاصله زمان اندک برج اول و دوم مرکز تجارت جهانی را هدف قرار دادند. سومی را به ساختمان پنتاگون در ایالت ویرجینیا کوبیدند و هواپیمای چهارم در ایالت پنسیلوانیا سقوط کرد و موفق به اجرای عملیات نشد. این حادثه که در حاله‌ای از ابهام به وقوع پیوست، توسط چند تروریست سازمان‌القاعده عملیاتی و اجرا شد و بهانه‌های لازم را برای جنگ‌افزایی آمریکا در خاورمیانه فراهم آورد.

یازده سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطف در تحولات روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. القاعده نیز یکی از پدیده‌های روابط بین‌الملل است که از ۱۱ سپتامبر دچار تحولات عمیق شده است. (عباس زاده فتح آبادی، ۱۳۸۹: ۱۵۲) القاعده گروهی بود که با هدایت آمریکا، پول‌های عربستان و آموزش پلیس مخفی پاکستان و انگلستان در دهه ۱۹۸۰ به منظور جنگ مقدس علیه روس‌ها بوجود آمده بود. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۰۲)

در رابطه با اینکه این عملیات پیچیده با طراحی و استراتژی چه کشوری برنامه‌ریزی و اجرا شده است، این موضوع کماکان در ابهام فزاینده‌ای قرار دارد. ضمن اینکه با گذشت بیش از یک دهه از این اتفاق، اسناد زیادی منتشر شده است که نشان از نقش و حمایت سازمانی و بدیهی کشور عربستان سعودی دارد. این در حالی است که مقامات این کشور به کرات نقش داشتن در این حادثه را تکذیب کرده‌اند و انتشار اسناد مربوطه را تبلیغات ساختگی در راستای تضعیف حیثیت سیاسی خود می‌دانند و همواره با ابزارهای چندگانه شامل تطمیع، تهدید و ترغیب مقامات آمریکایی به طور خاص نمایندگان کنگره، توانسته‌اند آنها را از رسیدگی به این پرونده منصرف کنند.

در این رابطه دو فرضیه مطرح هست: فرضیه اول با احتمال همدستی کشور عربستان و آمریکا در قالب یافتن بهانه برای توجیه حضور آمریکا و مشروعیت دادن به اقدامات مبارزه با

بنیادگرایی اسلامی و حضور موثر و فزاینده در منطقه قابل بررسی است. فرضیه دوم و قوی‌تر این است که اقدام تروریستی ۱۱ سپتامبر توسط سرویس‌های امنیتی عربستان سازماندهی و طراحی شده است. با توجه به این نکته که از تعداد ۱۹ نفری که در عملیات شرکت داشتند ۱۵ نفر از تبعه سعودی بوده‌اند، نشان از دست داشتن عربستان دارد. با توجه به پیوندهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی حاکمان عربستان با آمریکا و ملاحظات شدید اقتصادی در بحث انرژی و نقش مهم سعودی‌ها در جلوگیری از افزایش انرژی که سعودی‌ها این امور را در راستای تساوی بقاء و موجودیت خود تفسیر می‌کنند، منجر به این مسأله شده است که دولت آمریکا ملاحظات استراتژیک و رویکرد پراگماتیسم را در این مسأله مدنظر قرار دهد.

اسناد انتشار یافته رسمی و غیررسمی نشان از نقش گسترده مستقیم و غیرمستقیم کشور عربستان سعودی در این حادثه دارد (در قالب تروریسم دولتی و شبه دولتی). با توجه به نقش غالب و مسلط انرژی در رشد و توسعه قدرت اقتصادی کشورها، انرژی نقشی بسیار مهم و راهبردی در تعریف اتحاد و ائتلاف کشورها نسبت به یکدیگر دارد. آمریکا به عنوان هژمون نیاز گسترده به انرژی دارد تا قدرت اقتصادی کشورش را به عنوان یکی از عناصر ثبات قدرت هژمون حفظ کند. عربستان سعودی در مقابل، اقدام به سرمایه‌گذاری در آمریکا و همچنین واردات گسترده تسلیحاتی کرده است تا ماهیت روابط بین دو کشور در قالب نوعی پیوند شبکه‌ای و اتصال با ماهیت انرژی و اقتصادی شکل گیرد. این مباحث منجر شده است آمریکا اقدامات تخریب‌کننده عربستان سعودی در حادثه ۱۱ سپتامبر را به دلیل ملاحظات اقتصادی نادیده بگیرد و با استفاده از ترفندهای رسانه‌ای ظالمانه جمهوری اسلامی ایران را که بزرگ‌ترین قربانی مالی و انسانی تروریسم در منطقه است و همواره بیشترین هزینه مقابله با گروه‌های تروریستی را پرداخته است را به عنوان متهم این حادثه معرفی کند.

در پژوهش حاضر سعی بر این است که با توجه به منابع موجود، فرضیه دوم را که احتمال نزدیک‌تری به واقعیت دارد را تأیید کنیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از بعد ضرورت نظری تاکنون از «منظر انرژی و پویایی‌های انرژی» و تاثیر این شاخص در شکل‌گیری رابطه از نوع وابستگی اقتصادی بین عربستان سعودی و آمریکا، و همچنین تاثیر این رابطه در تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر تحقیق جامع صورت نگرفته است. ضمن تاکید بر این

نکته که وابستگی متقابل اقتصادی بین دو کشور تأثیر زیادی در تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر داشته است. در بعد عملی ضرورت بر این مبناست که با تلاش گسترده و علمی به رفع اتهامی که محور غربی-عربی به جمهوری اسلامی ایران نسبت داده‌اند، مقابله شود. لازم است با شفاف سازی و تبیین ابعاد این حادثه عاملان اصلی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در جامعه بین‌الملل شناسایی، معرفی و محاکمه شوند.

جنبه نوآوری تحقیق

ایده نوین مقاله در مقایسه با پژوهش‌های صورت گرفته این است که در این مقاله سعی شده با تأکید بر نقش اقتصاد، انرژی و نیز تأثیر این شاخص‌ها بر جهت‌گیری ترمیم‌کننده و نادیده‌انگارانه ایالات متحده نسبت به نقش عربستان سعودی در حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد که نشان از نوآوری مقاله دارد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته است. در راستای گردآوری اطلاعات و منابع نیز از روش کتابخانه‌ای-اسنادی و محدود منابع اینترنتی استفاده شده است.

ادبیات تحقیق

ارسلان، قربانی شیخ حسین (۱۳۹۴). در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های روسای جمهوری اسلامی ایران، تأثیرات سیاست‌های آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر را در افغانستان بررسی کرده است. فرضیه اصلی مقاله این است که سیاست‌های مختلف ایالات متحده و به ویژه سیاست‌های لیبرال دموکراسی این کشور در افغانستان در راستای ایجاد ثبات و صلح بوده است، اما همواره دارای تناقضات و اهداف پنهانی می‌باشد.

حسین، پوراحمدی (۱۳۸۰)، در مقاله «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و پیامدهای اقتصاد سیاسی حملات ۱۱ سپتامبر بر آمریکا»، تأثیرات حادثه ۱۱ سپتامبر را بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ساختار اقتصاد جهانی بررسی کرد. فرضیه اصلی مقاله حاکی از آن است که طی حملات ۱۱ سپتامبر تمامی دولت‌ها و نه فقط آمریکا به طرق مختلف از این رویداد متأثر شده‌اند که ناشی از وابستگی متقابل اقتصادی کشورها نسبت به هم است.

بهرام مستقیمی و مجید محمدشریفی (۱۳۹۱)، در مقاله «۱۱ سپتامبر و گسترش ناتو» تأثیر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر گسترش ناتو را بررسی کردند. فرضیه اصلی این بود که ۱۱ سپتامبر

فضایی نو در تحولات بین‌الملل ایجاد کرده است، به نحوی که منجر به تغییرات راهبردی غرب و ناتو نسبت به تهدیدات شده که در نهایت تاثیر زیادی بر فرایند گسترش ناتو داشته است.

چارچوب تئوریک

یکی از کانون‌های مورد توجه نظریه لیبرال در روابط بین‌الملل نقش تجارت و به تبع آن وابستگی متقابل^۱ میان جوامع در ایجاد تحول در روابط بین‌الملل و کاهش تعارضات میان دولت‌ها است. اندیشمندان لیبرال بر این اعتقادند که پیوندهای اقتصادی میان کشورها باعث همگرایی فزاینده می‌شود و در روابط میان دولت‌ها، تعارضات به جای آنکه از طرق خشونت‌بار حل شود، از راه‌های ترافع قضایی حل و فصل خواهد شد. در شرایط وابستگی متقابل ناشی از تجارت فزاینده، هزینه جنگ افزایش می‌یابد و بنابراین، باید بیش از پیش از آن اجتناب شود. (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۳۸) وابستگی متقابل حامی این اشاره ضمنی است که دولت‌ها به نحو فزاینده‌ای نسبت به دگرگونی اقتصادی، ژئوپلیتیکی حادث در سایه دولت‌ها و کلاً نظام جهانی، حساس و آسیب‌پذیر می‌شوند و بر این اساس، رویکرد خود را تغییر می‌دهند (طیب و بزرگی، ۱۳۷۲: ۶۲-۶۳)؛ یعنی با کاهش نیروی نظامی، دولت‌های قدرتمند نظامی استفاده از تمامی ظرفیت سلطه خود برای کنترل نتایج در حوزه‌های موضوعی که ضعیف هستند را دشوار می‌یابند، به ویژه در مواردی که توزیع منابع قدرت مثلاً در تجارت، کشتیرانی و یا نفت متفاوت از یکدیگرند. لذا، الگوهای نتایج و فرایندهای سیاسی متمایز از یک حوزه موضوعی به دیگری متفاوت خواهد بود (قوام و اعلائی، ۱۳۹۰: ۱۶) وابستگی متقابل به وضعیتی اشاره دارد که در آن میان کشورها و یا در میان بازیگران داخلی دول مختلف تاثیرگذاری و تاثیرپذیری متقابل وجود دارد. اینگونه تاثیرگذاری‌ها دوطرفه و متقابل، اغلب از توسعه تبادلات اقتصادی بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد شروع شده است. (پوراحمدی، ۱۳۸۰: ۴۲)

بر اساس نظریه وابستگی متقابل دو شاخص در ارتباط با اندازه گیری میزان وابستگی میان دولت‌ها وجود دارد: شامل حساسیت و آسیب‌پذیری. ۱- حساسیت به درجه حساس بودن دولت‌ها نسبت به حدوث تغییرات در دولت دیگر ارتباط دارد. ۲- بعد دیگر آسیب‌پذیری است که به توزیع هزینه‌هایی اشاره دارد که در طی آن دولت‌ها در واکنش نسبت به این تغییرات تقبل می‌کنند. (قوام، ۱۳۹۰: ۳۹) شاید حتی بیش از سلاح‌های هسته‌ای، نفت تصویری از وابستگی

¹ - interdependence

متقابل را عرضه می‌کند. (سیف‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۰۸) با توجه به پیچیدگی و اهمیت نفت سعودی و امنیت سعودی برای آمریکا، حادثه ۱۱ سپتامبر در قالب تئوری وابستگی اقتصادی و پراگماتیسم بررسی خواهد شد.

نظریه ثبات هژمونی^۱

از منظر تئوری ثبات هژمونی برای بوجود آوردن توسعه کامل اقتصاد لیبرالی در بازار جهانی به یک هژمون، یعنی قدرت حاکم نظامی و اقتصادی نیاز است. زیرا در نبود چنین قدرتی قواعد لیبرالی نمی‌تواند اجرا گردد. این نظریه نخستین بار توسط «چارلز کیندل برگر»^۲ تنظیم شد و سپس توسط «رابرت گلپین»^۳ گسترش یافت. همزمان با مطرح شدن این تئوری آمریکا حاکم و هژمون بر جهان بود و جنگ جهانی دوم آمریکا را به سوی رهبری جهان سوق داد. به گفته «رابرت کوهن»^۴ هژمون علاوه بر داشتن قدرت نظامی باید چهار محور از منابع عمده اقتصادی (کنترل مواد خام، کنترل بر سرمایه، و تولید کالا با ارزش استراتژیک را داشته باشد. (ذاکریان، ۱۳۹۱: ۲۴۳-۲۴۴) «رابرت گلپین» استدلال می‌کند که ایالت متحده پس از جنگ جهانی نقش هژمون مسلط را ایفا می‌کند. و دوره صلح و ثبات نسبی در روابط بین‌الملل در قرن ۲۰ نتیجه هژمونی آمریکا بوده است. (Gilpin, 1981) از آمریکا بعنوان هژمون در راستای ایجاد گشایش بازارها، ثبات مالی، و ادغام گسترده‌تر در اقتصاد جهانی حمایت شده است. همچنین بر نیاز شدید آمریکا به واردات انرژی، دسترسی و امنیت جریان مستمر انرژی تاکید شده است. (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۸۰۵) جایگاه تعیین کننده انرژی در اقتصاد جهانی و نقش آمریکا بعنوان هژمون را از دو دیدگاه می‌توان تعریف کرد:

- ۱- تسلط بر کانون انرژی بعنوان کالایی با ماهیت راهبردی در معادلات جهانی با هدف حفظ موقعیت هژمون برتر.
- ۲- تعهد به حفظ جریان مستمر انرژی بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان بعنوان تامین کننده ی امنیت عرضه ی انرژی در سطح بین الملل.

^۲-Hegemony stability

^۳-Charles Augustus Lindbergh.

^۴-Robert gilpin

^۵- robert kohen

تعریف عملیاتی مفاهیم

یازده سپتامبر

حادثه یازده سپتامبر حمله هواپیمای مسافربری ربوده شده به مراکز حساس یعنی برج‌های دوقلوی تجارت جهانی و پنتاگون در شهرهای نیویورک و واشنگتن آمریکا بود که در جهت ضربه زدن به نمادهای سرمایه‌داری و قدرت نظامی بزرگ‌ترین ابرقدرت جهان به مرگ چند هزار شهروند آمریکایی منجر شد. این عملیات مهیب مقیاس بسیار گسترده‌ای داشت و پیامدهای آن از محدوده عمل فراتر رفت. به گونه‌ای که سیاست خارجی آمریکا شکل تهاجمی به خود گرفت و نظام بین‌الملل را دگرگون ساخت. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۹۱: ۶۱۷)

تروریسم شبه‌دولتی

تروریسم حمایت شده دولتی: ^۱انجام‌دهندگان واقعی اعمال تروریستی عاملین غیردولتی بوده، ولی با حمایت دولت عمل می‌کنند. (scoff, 2003; 26/83)

تروریسم دولتی

به عنوان یکی از انواع تروریسم به معنای بکارگیری و حمایت از این پدیده از سوی یک دولت یا یک نظام سیاسی است. به عبارت دیگر، اعمال خشونت برنامه‌ریزی شده و دارای انگیزه سیاسی و وسیله کارگزاران پنهان بر ضد هدف‌های غیررزمی است. (قلی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۸)

پیشینه روابط انرژی عربستان و آمریکا

کشور عربستان از بدو ورود به بازار نفت جهان، روابط ویژه‌ای با مصرف‌کنندگان عمده نفت بویژه آمریکا داشته است. دولت «فرانکلین روزولت»^۲ در خلال جنگ جهانی موافقت نامه‌ای با عبدالعزیز پادشاه عربستان برای حفاظت از خاندان پادشاهی عربستان در برابر دشمنان داخلی و خارجی امضاء کرد. آمریکا در ازای این موافقت‌نامه حق ویژه‌ای در زمینه بهره‌برداری از ذخایر نفت عربستان بدست آورد. (میرترابی، ۱۳۸۷: ۱۸۹) کشور عربستان سعودی بعد از استقلال همواره یکی از کشورهای مورد حمایت بلوک غرب بوده و سیاست خارجی این کشور در راستای سیاست-های بلوک غرب خصوصاً آمریکا بوده است. سیاست آمریکا تحت اهداف دوگانه حفظ ثبات رژیم سعودی و دسترسی آمریکا به منابع عظیم نفت عربستان سعودی راهبردی شده است. همین که تولید نفت عربستان و ذخایر اثبات شده آن به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم افزایش

^۱ -state-sponsored, terrorism

^۲ -Franklin Delano Roosevelt

یافت، روابط استراتژیک میان عربستان سعودی و آمریکا توسعه یافت. (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۰۷) روابط دو کشور از طی دهه‌های گذشته و آغاز شکل‌گیری عربستان سعودی همواره مستحکم بوده است و بسیاری از آن به عنوان معادله نفت و امنیت یاد می‌کنند. از دهه ۱۹۳۰ زمانی که ملک عبدالعزیز بر آن شد پایه‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی خود را با کمک خارجی جلب کند، تا زمان جنگ دوم جهانی روابط تجاری دو کشور و نه به عنوان متحدان سیاسی وجود داشت. اما با شروع جنگ و نیاز به انرژی برای تأمین نفت نیروهای مسلح باعث نیاز متقابل بین عربستان و آمریکا و نزدیکی آنها شد. (رستمی و کریمی، ۱۳۹۶: ۲۶۳-۲۶۴) مبادله انرژی و امنیت به عنوان دو کالای استراتژیک در ایجاد وابستگی متقابل دو کشور مشهود است.

اهمیت ذخایر ژئواکونومیک عربستان برای آمریکا

عربستان سعودی با دارا بودن ۲۶۴ میلیارد بشکه نفت از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت در جهان محسوب می‌شود. این کشور با ظرفیت ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز، بزرگ‌ترین تولید کننده نفت جهان است و صدور روزانه بیش از $\frac{6}{3}$ میلیون بشکه، عربستان را در صدر صادر-کنندگان نفت که حدود ۱۱ درصد از ۸۹ میلیون بشکه نفت مصرفی روزانه جهان را تأمین می‌کند، قرار داده است. اما موضوع مهم نقش تاثیرگذاری عربستان سعودی در سازمان کشور-های صادرکننده اوپک است که دلایل خاص خود را دارد. از یک طرف به دلیل تأمین میزان قابل توجهی از نفت روزانه جهان و نیز در اختیار داشتن نیمی از ظرفیت تولید مازاد جهان که حدود سه میلیون بشکه است، عربستان سعودی جایگاه ویژه‌ای داشته و این توانایی ریاض از اهمیت بسزایی برخوردار است. به گونه‌ای که ثبات قیمت‌ها به شدت به این متغیر وابسته است. (پایگاه خبرگزاری الوقت ۱۳۹۵/۱۲/۲) عربستان با در اختیار داشتن ۱۸ درصد از ذخایر اثبات شده نفت جهان، حدود ۸۵/۲۶۵ میلیارد بشکه نفت دارد، که این امر باعث اهمیت فراوان این کشور هم برای کشورهای تولیدکننده و هم مصرف‌کننده شده است. اهمیت این کشور با در اختیار داشتن نزدیک به یک‌پنجم ذخایر اثبات شده به حدی است که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که مهم‌ترین عامل روابط سعودی و آمریکا نفت است. (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۱۰)

نقش عربستان در حفظ قیمت نفت

سیاست انرژی عربستان در راستای سیاست کشورهای صنعتی جهان است. نقش عربستان در بازار انرژی همانند گذشته به دلایل متعددی در آینده نیز نقشی تعیین‌کننده و حیاتی

خواهد بود. همچنین در مواجهه با قطع ناخواسته و غیرمنتظره جریان نفت ذخایر استراتژیک و تولید نفت جایگزین از سوی عربستان اولین راه مقابله با کاهش گسترده تولید و افزایش ناگهانی قیمت‌ها خواهد بود. (متقی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۵) به عبارت دیگر، استراتژی نفتی عربستان سعودی در پیوند و تعامل گسترده با غرب به طور خاص آمریکا تعریف شده است. حفظ جریان مستمر عرضه انرژی، حفظ سطح پایین قیمت انرژی و جلوگیری از ایجاد شوک ناگهانی که منجر به افزایش ناگهانی قیمت انرژی می‌شود را می‌توان از اهداف کلان عربستان سعودی نام برد.

رابطه آمریکا و عربستان قبل از جنگ سرد

آمریکا به دلیل درگیری در جنگ ویتنام، راهبرد دوستونی را در منطقه به اجرا گذاشت. که بر این اساس نقش تامین امنیت در خلیج فارس بر عهده متحدان منطقه‌ای آمریکا یعنی ایران و عربستان گذاشته شد. آمریکا همزمان با تجهیز نظامی ایران زیرساخت‌های عربستان سعودی را تقویت کرد. بخش زیادی از راهبرد دوستونی نظامی - امنیتی آمریکا با ایران و عربستان به دلیل احساس تهدید ناشی از اتحاد شوروی قرار داشت. (اسدی، ۱۳۸۸: ۱۲) بعد از شکست آمریکا در ویتنام، در دوران جنگ سرد آمریکا سیاست خود را تغییر داد و سیاستی را در پیش گرفت که نیکسون آن را سیاست دوستونی نامید و براساس آن ایران یکی از ستون‌ها و عربستان سعودی ستون دیگر آن بود که براساس این دکترین، ایران نقش نظامی و عربستان سعودی نقش (پایه مالی) و در عین حال نقش پدرخوانده عرب‌های منطقه را دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۸۳) عربستان در دوران جنگ سرد در چهارچوب منافع غرب رفتار می‌کرد و با اتخاذ سیاست مقابله با کمونیسم و تضمین جریان صدور انرژی به طور کل در راستای سیاست آمریکا در منطقه گام برداشته است. (جاودانی‌مقدم و حریرفروش، ۱۳۹۶: ۶۲) عربستان سعودی با توجه به دارا بودن جمعیت پراکنده و نیز داشتن نقش کنش غیرفعال در دکترین نیکسون جایگاه استراتژیک ندارد. اما نقش مکمل را بعنوان تامین کننده اقتصاد و نفت در کنار ایران ایفا می‌کند. (گل‌پرور، ۱۳۹۵: ۱۷۴-۱۷۵) در دوران جنگ سرد به دلیل شرایط خاص دو قطبی در جهان، عربستان در کنار ایران نقش مکمل امنیتی را برای آمریکا ایفا می‌کرد و به شکل نوعی ائتلاف و اتحاد نسبی مطرح بود.

رابطه آمریکا و عربستان در دوران پساجنگ سرد

پس از جنگ سرد ایالات متحده به تدریج به سمت استراتژی «استیلاطلبی» که مستلزم حضور وسیع و دائمی در منطقه بود، سوق پیدا کرد. (آهویی، ۱۳۹۵: ۵۵) آمریکا در خلیج فارس پس از جنگ سرد به دنبال ایجاد یک سیستم امنیتی تک‌قطبی بود. این سیستم اساساً اینگونه تنظیم شده بود که یک کشور مقتدر مسئولیت امنیت سایر کشورهای کوچک و داوطلب منطقه را در محدوده سیاسی و نظامی خود در خلیج فارس به عهده گیرد. منطقه‌ای حیاتی که در عین حال با تحولات غیرقابل پیش‌بینی روبرو بود. در مقابل کشورهای متحد نباید از هیچ نوع حمایت سیاسی، مالی و اساسی به آن قدرت در جهت حفظ منافع خود دریغ ورزند، تا کشور مزبور در صورت بروز هر نوع تهدید به عنوان ضامن امنیت آنها با دست باز عمل نماید و در قالب سیستم پیچیده امنیتی و اقتصادی اجرا شود. (آدمی و پیروزیان، ۱۳۹۰: ۶۲۳)

استراتژی آمریکا در کنترل نفت خاورمیانه

نفت خاورمیانه نه تنها در حال حاضر برای تامین نیاز انرژی آمریکا ضروری است، بلکه تمامی شواهد نشان از رشد وابستگی آمریکا به این منطقه طی دهه‌های آتی است. در حقیقت وابستگی ایالات متحده به تامین انرژی از خاورمیانه طی ۳۰ سال آینده دو برابر خواهد شد. حتی اگر آمریکا بتواند بر وابستگی خود نائل آید که سناریویی غیرمحتمل به نظر می‌رسد، سایر کشورها به نفت خاورمیانه همچنان وابسته خواهند بود. وابستگی کشورهای مصرف‌کننده به خاورمیانه، نوعی آسیب‌پذیری سیاسی برای آمریکا ایجاد می‌کند. با درک اهمیت انرژی در حال حاضر و رقابت شدید بر کنترل انرژی، بهترین توجیه حضور قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه است. اکنون آمریکا به عنوان ابرقدرت و هژمون جهان به دنبال حفظ جریان نفت خواهد بود. لذا، آمریکا برای نیل به این هدف راهی جز حضور نظامی در این منطقه نیافته است. (طاهری، ۱۳۸۷: ۷۶)

تعهد آمریکا به استمرار عرضه نفت هم‌پیمانان

در خلیج فارس حجم قابل اطمینان و ارزان قیمت منابع انرژی برای آمریکا وجود دارد، در نتیجه رابطه مستقیمی بین امنیت ملی آمریکا و نفت خلیج فارس برقرار است. به طوری که آمریکا حدود ۰/۰۲۳ نفت مصرفی، اروپا ۰/۰۵۰ نفت مصرفی خود و ژاپن نیز ۰/۰۷۰ نفت مصرفی خود را از خلیج فارس تامین می‌کنند. به عبارت دیگر، رابطه بسیار مهمی میان امنیت و ثبات اقتصاد آمریکا، جهان و نفت وارداتی از خلیج فارس وجود دارد که ناشی از حضور

استراتژیک آمریکا در خلیج فارس و تعهد دسترسی جهان صنعتی به نفت و ذخایر منطقه بوده و ابزار این امر کنترل بر منابع انرژی منطقه استراتژیک خلیج فارس است (قامت، ۱۳۷۹: ۱۸۱-۱۸۲). نفت کماکان مهم‌ترین منبع خواهد ماند، آمریکا به ناچار ۰/۰۷۰ نفت خود را از خارج وارد می‌کند. آمریکا به دو دلیل اساسی نقش ویژه‌ای در انتقال مستمر نفت دارد، نخست به دلیل اینکه آمریکای بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را دارد. با رشد فزاینده همگرایی اقتصادی بین قطب‌های مهم اقتصاد جهان، رونق بازار این کشور به شدت از ثبات اقتصادی نظام‌های اروپایی و آمریکایی متأثر می‌شود. دوم اینکه در اواخر قرن بیستم آمریکا وابستگی زیادی به نفت پیدا کرد. و امروزه کنترل بر منابع نفت ناشی از وابستگی اقتصادی است، بنابراین، امنیت پایدار و ثبات اقتصادی، تابع امنیت و ثبات جریان مستمر نفت و انرژی و همچنین حضور آمریکا در خلیج فارس است. (تخشید و متین، ۱۳۹۰: ۲۲۶-۲۲۸)

نیکسون و فروش نفت به دلار

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند افزایش بهای نفت در دهه ۱۹۷۰ ناشی از تغییر سیاست‌های راهبردی آمریکا در قبال این ماده حیاتی بود، زیرا از اولین اقدامات وی در بدو ریاست جمهوری، تشکیل گروه‌های تحقیق و تجدیدنظر در سیاست‌های نفتی این کشور بوده است. در نتیجه بحران انرژی یعنی افزایش چهار درصدی قیمت نفت آن چنان مطلوب آمریکا نبود، زیرا تا پیدایش انرژی‌های جایگزین نفت، آمریکا همچنان مجبور بود مقدار معتناهی نفت گران قیمت از کشورهای خاورمیانه خریداری کند و این امر با پرداخت دلارهای بیشتری همراه بود، به گونه‌ای که آمریکا را با کسری بیشتر موازنه پرداخت روبرو کرد. بنابراین، لازم بود تا تدابیر دیگری اتخاذ گردد تا این دلارهای نفتی به آمریکا بازگردد و این امر جز با خرید و فروش کالا و تسلیحات نظامی آمریکا به کشورهای تولیدکننده میسر نبود (دانشور، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۹) از زمان آغاز نظام برتون وودز^۱ دلار به منزله ارز اصلی تجارت بین‌الملل از موقعیت منحصر به فردی برخوردار بوده و منبع اصلی تجارت ایالات متحده در رهبری اقتصادی سیاست بین‌الملل به شمار می‌رفته است. در سال ۱۹۷۱ اوپک دلار را به عنوان ارز رسمی برای تمام معادلات نفت اعلام کرد. که این امر به انحصار و هژمونی کامل آمریکا در تجارت بین‌المللی نفت صحت گذاشته است. (تخشید و متین، ۱۳۹۰: ۲۲۳)

^۱ - Bretton woods

انحصار و تداوم صادرات نفت سعودی به آمریکا

عربستان در بازار جهانی نفت دارای نقش موثر و منحصر به فردی است. این نقش از آن رو موثر است. که عربستان بزرگترین صادر کننده نفت در سازمان اوپک است. و بعنوان بالانس کننده (تراز کننده) بازار نفت عمل می‌کند. در عین حال نقش عربستان سعودی انحصاری است. زیرا این کشور در ایجاد ثبات و حفظ جریان مستمر نفت به آمریکا و متحدان آمریکا نقش بسیار مهم ایفا می‌کند. (بیگ علی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۸) عربستان سعودی عنوان دومین صادر کننده میعانات نفتی و نفت خام به آمریکا بعد از کانادا را به خود اختصاص داده و میانگین ۱/۱ میلیون بشکه در روز ثبت برای آن شده است. سازمان اطلاعات آمریکا اعلام کرد، در شش ماه نخست سال جاری ۲۰۱۷ میلادی مجموع واردات میعانات نفتی و نفت خام آمریکا از عربستان در مقایسه با سال قبل از آن افزایش یافته و به طور میانگین به ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. ضمن اینکه از سال ۲۰۱۲ میلادی همواره عربستان بعد از کانادا در جایگاه دومین تامین کننده بزرگ میعانات نفتی آمریکا قرار گرفته، عنوانی که پیش از آن متعلق به مکزیک بود. (شکور نیوز، ۱۳۹۷/۲/۱۵)

صادرات آمریکا به عربستان

مهمترین هدف عربستان سعودی از تقویت روابط با ایالات متحده «امنیت» و حمایت واشنگتن از آل سعود در داخل عربستان سعودی و در سطح منطقه غرب آسیا است. عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین مقاصد تسلیحات آمریکایی است. آمریکا ۰/۰۳۳ سهم صادرات جهان اسلام را بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ در اختیار داشت. ۰/۰۴۱ صادرات آمریکا به غرب آسیا انجام شد، که ۰/۰۲۷ آن صادرات به عربستان بود. عربستان با ۹/۷ درصد بزرگ‌ترین کشور واردکننده سلاح از آمریکا بود. مجموع واردات سلاح عربستان از آمریکا طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ در مقایسه با ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، تا ۲۷۵ درصد افزایش داشته است. درخصوص فروش تجهیزات می‌توان به مواردی نظیر ۴ شناور لیتورال به ارزش ۱۱/۵ میلیون دلار، ۱۲۵ تانک آبرامز، موشک پاتریوت PAC3، هلیکوپتر AH-RO، هلیکوپتر شبنوک CH-47، و سیستم دفاع موشکی اشاره کرد. دولت آمریکا از اوت ۲۰۰۹ تا می ۲۰۱۷ جمعا به ارزش ۱۱۹/۶۱۶ میلیارد دلار سلاح به عربستان فروخت که نشان از وابستگی شدید امنیتی سعودی به آمریکا دارد. (عمادی، ۱۳۹۳/۳/۲۷)

روابط سیاسی و امنیتی آمریکا و عربستان ترویج وهابیت

از آنجا که بافت جمعیت کشورهای اسلامی بخصوص منطقه خاورمیانه دارای تكثر قومی-فرقه‌ای زیادی است، وجود این مساله موجب گردیده تا استعمارگران غربی از دیرباز با آگاهی از آن با استراتژی ایجاد اختلافات مذهبی به حمایت از جریان‌های افراطی وهابیت بپردازند. آنها را با برنامه‌های خود همراه سازند تا موجبات حضور دائمی خود را در این منطقه فراهم کنند. مهمترین عامل تاثیرگذار بر پیوستگی و گسترش تفکر سلفی را می‌توان حمایت همه جانبه غرب بخصوص آمریکا و صهیونیسم از وهابیت با هدف تداوم سلطه خود و استمرار آن دانست. به طوری که ارتباط خاص عربستان و آمریکا نقش مهمی در شکل‌گیری این گروه‌ها ایفا کرده است. (علی یاری، ۱۳۹۴: ۱۲۷-۱۲۹)

اتحاد استراتژیک با آمریکا

روابط آمریکا با عربستان از ابتدا به صورتی خاص تعریف شد. در واقع روابط آمریکا و عربستان، سیاست خارجی بده بستانی و دوجانبه‌ای است که در آن تلاش برای فروش نفت و تعهد کشور های غربی برای بقای نظام سنتی پادشاهی عربستان سعودی و نیاز این کشور به خرید کالا و تسلیحات نظامی را در پی داشته است. تداوم روابط ویژه با غرب بخصوص آمریکا یک اولویت در سیاست خارجی عربستان تعریف می‌شود. (جاودانی‌مقدم و حریرفروش، ۱۳۹۶: ۶۳) عربستان از دیرباز به عنوان متحد سنتی آمریکا در منطقه بوده و سیاست خارجی این کشور همواره همسو با آمریکا است. به باور کارشناسان مهمترین عامل تداوم روابط آمریکا و عربستان سعودی، نفت است. (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۱۱)

اتحاد در مقابل تجدیدنظرطلبی نسبت به وضع موجود

عربستان سعودی الگویی متفاوت از اسلام‌گرایی را در برابر ایران تشکیل داده است. اسلام-گرایی با رویکرد سلفی، زیربنای اندیشه راهبردی عربستان سعودی برای مقابله با نقش ایدئولوژیک ایران محسوب می‌شود. طبیعی است که در چنین شرایطی آمریکا و عربستان سعودی در مقابله با دشمن مشترک نقش ایفا می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران نماد حمایت از گروه‌های انقلابی و اسلام است. عربستان سعودی و آمریکا با داشتن نگرش ایدئولوژی یکسان در برخورد با گستره ژئوپلیتیکی و هویتی ایران در خاورمیانه به ائتلاف علیه ایران مبادرت کرده‌اند. (مصلی-نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۷)

هژمونی نفتی

ایالت متحده آمریکا و شرکت‌های نفتی این تسلط را از طریق تامین نفت فراوان و ارزان از طریق خاورمیانه اعمال می‌کند. نفت از ارکان هژمونی ایالت متحده محسوب می‌شود. تسلط آمریکا بر منابع نفتی، هم ضامن رونق اقتصادی جهان است و هم ابزار اعمال استیلا بر جهان، عاملی که این قدرت را در موقعیت وابستگی استراتژیک و اقتصادی قرار می‌دهد. (تخشید و متین، ۱۳۹۰: ۲۰۵) از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیز یکی از ارکان اصلی مولفه هژمون تسلط بر منابع انرژی به عنوان کالای استراتژیک است. تسلط انرژی و تاثیر آن در شکل‌گیری اتحاد بین دو کشور آمریکا و عربستان سعودی را می‌توان از مولفه‌های هژمونی اقتصادی آمریکا نام برد.

تاثیرپذیری ایدئولوژیک القاعده از عربستان و نقش آن در حادثه ۱۱ سپتامبر

درست است که القاعده در افغانستان است، ولی مختص به ایدئولوژی جهادگرایانه سلفی که کانونش در عربستان است، می‌باشد. با این همه به نظر اعضای جنبش‌های سلفی (القاعده)، عربستان سعودی به اصطلاح ارزش‌های واقعی سلفی‌اش را از دست داده و آنان خواهان احیای یک نوع پیوریتانیسم جدید سلفی و جهادگرایانه هستند و القاعده مدعی این مقصود است. ولی این جنبش شکل گرفته از تعلیم و تربیت و ارزش‌هایی است که توسط عربستان سعودی در این مدارس دینی که آنها را حمایت ارزشی و تقویت مالی می‌کرد، با رویکرد جهادگرایانه سلفی که عربستان سعودی پشتیبان مالی‌اش بود، ترویج می‌شد. (باوند، ۱۳۸۱: ۳۲)

هواپیما ربایان حادثه ۱۱ سپتامبر در مجموع ۱۹ نفر بودند. به لحاظ ملیت ۱۵ نفر تبعه عربستان سعودی، ۲ نفر تبعه امارات متحده عربی، یک نفر تبعه مصر و یک نفر نیز تبعه لبنان بودند که به صورت تیمی عمل کردند. تیم عملیاتی حادثه ۱۱ سپتامبر تماماً عرب و عضو سازمان القاعده بودند. (خبرگزاری تنسیم، ۱۳۹۵/۶/۲۱) گروه زیادی از جهادگرایان به ریاض وابسته‌اند. عربستان سالانه ۸ میلیارد یورو برای نشر اندیشه وهابی در جهان هزینه می‌کند. بسیاری از اعضای جهادی اتباع سعودی‌اند. القاعده به رهبری بن لادن از اولین گروه‌های مورد حمایت سعودی است. (سیفی، ۱۳۹۷/۶/۳)

حمایت مالی عربستان از معارضان

عربستان از طریق کمک‌های هنگفت مالی خود به شبکه وسیعی از مساجد دینی سلفی -

وهابی در سراسر جهان با ترویج ایدئولوژی وهابیت نقش زیادی در گسترش بنیادگرایی داشته است. (شمسینی غیاثوند و مکی کام بخش، ۱۳۹۱: ۱۰) حمایت عربستان تاثیر زیادی در رشد سلفی‌گری و بنیادگرایی داشته است بنحوی که ایدئولوژی سلفی معاصر در پیوند مستقیم با جنبش وهابیت در عربستان سعودی دارد. (alamshahi, 2001. 62-63) بر طبق بیانیه ایالت متحده آمریکا مبنی بر حمایت مالی مستقیم و غیرمستقیم عربستان سعودی از تروریسم به صراحت بیان شده است بعضی از اشخاص سعودی و سازمان‌های خیریه وابسته به آنها، آگاهانه یا ناآگاهانه کمک‌هایی برای ترویج تروریسم، خشونت و افراط‌گرایی ارائه کردند. بطور مثال طبق گزارشی از کمیسیون حادثه ۱۱ سپتامبر، بعضی از موسسات خیریه از قبیل بنیاد سعودی الحرمين، بنیاد باسد-السعودی به معارضان کمک کرده بودند. گزارش‌های کارشناسانه حکایت از کمک‌های بسیار زیاد عربستان سعودی برای ترویج بنیادگرایی و فعالیت‌های تروریستی با هدف ایجاد رفتارهای تخریب‌کننده و خشونت‌آمیز بر ضد غیرمسلمانان در داخل حکومت آمریکا دارد بطور مثال اسامه بن لادن و القاعده که اصالت سعودی دارند، ملیون‌ها دلار برای ایجاد مشروعیت کاریزماتیک از طریق سازمان‌های غیردولتی، مساجد و همچنین ارتباط مالی با بانک‌ها و دیگر موسسات مالی برای کمک به ایجاد و حفظ جنبش‌های بنیادگرا انجام دادند. مدارک زیادی وجود دارد که این موسسات هدایا و کمک‌های زیادی برای اشاعه فعالیت‌های تروریستی ارائه کرده‌اند. که ارائه‌های آنها حاکی از تمایل نهایی آنها برای حفظ و گسترش بنیادگرایی دارد. (U.S-Saudi Counterterrorism efforts, 9, 2009)

سابقه محکومیت حمایت عربستان از معارضان و القاعده

در دادخواهی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در اواسط ماه آگوست، خانواده‌های ۶۰۰ قربانی، اقدامات تروریستی حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چیزی قریب به ۱ میلیون دلار از سه عضو خاندان آل سعود (که مستقیماً این عملیات تروریستی را مدیریت می‌کردند) درخواست کردند. به عبارت دیگر در فضای حاکمی که این حادثه رخ داد، شواهد و مدارک تماماً حاکی از دست داشتن عربستان سعودی دارد. در سطح حمایت ایدئولوژیک مالی و غیره از القاعده به طور عام به عنوان معارضان هواپیماربا به طور خاص حکایت دارد. (Washington post, 2003)

قانون جاستا^۱، اقدام علیه حامیان تروریسم و عربستان

در نشستی که پیرامون موضوع قانون عدالت علیه حامیان تروریسم در دسامبر ۲۰۱۶ در کنگره آمریکا برگزار شد و به تصویب رسید، قانون عدالت علیه تروریسم دولت سعودی را در معرض اقدام حقوقی دادگاه‌های ایالات متحده قرار می‌دهد. به این استناد که این کشور مقصر اصلی حملات ۱۱ سپتامبر است. این می‌تواند ریسک بزرگی برای سرمایه‌گذاری مالی عربستان سعودی در آمریکا باشد. (سلیمانی و عرب یار محمدی) دادگاه مربوطه دستور پیگیری ادعاهایی بر ضد اشخاص، نهادها، یا کشورهایی که به صورت محرمانه و غیرقانونی به تروریسم کمک کرده‌اند را صادر کرده است. که در صورت وجود اثبات حمایت مادی و ابزاری، بصورت مستقیم یا غیر مستقیم توسط اشخاص یا نهادهایی که به مردم ایالات متحده آسیب رسانه‌اند، آنها بعنوان عاملان تروریسم شناخته می‌شوند. همچنین آن اشخاص، نهادها و کشورهای خارجی هر کجا که فعالیتی از این قبیل انجام دهند و شناسایی شوند بعنوان حامیان تروریسم علیه مردم آمریکا معرفی می‌شوند. (anti-terrorism act law, 2016) در قسمت سوم از قانون لایحه عدالت علیه تروریسم به صراحت گفته شده است دولت‌هایی که متهم به کمک به تروریسم هستند در داخل آمریکا هیچ مصونیتی ندارند. همچنین در فصل هفتم از قانون مصونیت قضایی دولت‌های خارجی در آمریکا با افزودن بحث مسئولیت دولت‌های خارجی در قبال حملات تروریستی علیه مردم آمریکا دست دادگاه‌های داخلی را در برخورد با دولت‌های خارجی که مضمون به اتهام کمک به تروریسم هستند را جهت اقدام باز می‌گذارد. قانون جدید با این اصلاح دایره مصونیت‌هایی که دولت‌های خارجی سابقا در آمریکا برخوردار بودند را محدود تر کرده است. عبارتی دقیق‌تر این قانون با مخاطب خاص قرار دادن دولت‌های خارجی به آنها می‌گوید که ممکن است به اتهام تامین مالی تروریسم و حمایت از اقدامات تروریستی در آمریکا تحت تعقیب قرار بگیرند. درحالی که سابقا طبق قانون مصونیت قضایی دولت‌های خارجی دادگاه‌های آمریکا صلاحیت رسیدگی به دعاوی که علیه دولت‌های خارجی اقامه می‌شد را نداشتند. در قانون جاستا به صراحت بیان شده است. دولت‌های خارجی که در قبال اعمال حمایتی از تروریسم که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مشارکت کنند و موجب وارد آمدن خسارت مالی یا جانی به اتباع آمریکایی شوند. نباید در برابر اقدام دادگاه‌های داخلی ایالات متحده آمریکا مصونیت داشته باشند. (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۵/۷/۱۹)

¹ - Justa law

قانون جاستا «اقدام علیه حامیان تروریسم» و سابقه محکومیت عربستان

در اولین رویه بررسی قانون جاستا که با شکایت یکی از قربانیان حادثه ۱۱ سپتامبر مورخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۶ علیه عربستان سعودی به صورت رسمی برگزار شد. عربستان متحد راهبردی آمریکا مورد اتهام قرار گرفت. عربستان سعودی توسط قاضی دادگاه «استفن روس دسیمون»^۱ متهم به حمایت مادی از سازمان تروریستی القاعده و بن لادن شد. علائم و نشانه‌هایی در این حادثه وجود داشت که حکایت از یک هدف‌گیری بزرگ تروریستی توسط عربستان دارد. عربستان بر اساس قانون جاستا صراحتاً متهم شد به مشارکت داشتن در حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، ایجاد هرج و مرج، رعب و وحشت در عرصه بین‌المللی و همچنین دائمی کردن خشونت ساختاری در سطح بین‌الملل. که این اقدامات از گذشته‌های دور بعنوان خشونت ساختاری غیر دولتی تعریف می‌شوند. قانون جاستا یک تحول نوین در مفاهیم حقوق بین‌المللی و همچنین یک نرم پذیرفته شده بین‌المللی است نسبت به عدم پذیرش مصونیت دولت‌هایی که اقدامات تخریب‌کننده انجام می‌دهند. بر این اساس عربستان سعودی و تعدادی از همکاران این کشور با قدرت نكوهش و محکوم به اجرای قانون جاستا شدند. همچنین به عنوان ناقضان آشکار اصول و قوانین حقوق بین‌الملل بر ضد خشونت در سطح بین‌الملل معرفی شدند. بعد از مرخصی پرزیدنت اوباما و وتوی قانون جاستا توسط کنگره، کنگره با به بی دقتی این تصمیم را شرح و توضیح داد. پیرامون این شیوه جهت‌گیری کنگره بسیاری از سازمان‌های دولتی نگرانی‌هایشان را در مورد نحوه رفتار غیرعرف دولت آمریکا نسبت به اجرای قانون جاستا به صراحت اعلام کردند. (altaraveneh&khalifeh, 2017.339)

دکترین ضد تروریسم اوباما

با روی کار آمدن دولت بارک اوباما روش انجام قتل‌های هدفمند در سال ۲۰۰۹ روند سعودی به خود گرفت. این اقدام عملاً از طریق افزایش حملات پهبادهای جنگی موسوم به شکارچی القاعده و طالبان در افغانستان، پاکستان و یمن از یکسو و همین‌طور از طریق گسترش ماموریت‌های دستگیری در قالب عملیات‌های ویژه ایالات متحده انجام میشد. قتل موفقیت‌آمیز اسامه بن لادن بنیانگذار و رهبر پیشین القاعده و عامل اصلی حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر و از پای در آوردن انور العقولی شهروند یمنی - آمریکایی و رهبر شبکه القاعده در شبه جزیره عربستان در

¹ - Stewen rose desimon

دسامبر ۲۰۱۱ نمونه‌هایی از راهبرد اوباما در مبارزه با تروریسم محسوب می‌شود. قتل‌های هدفمند به مولفه‌های اصلی استراتژی ضدتروریسم بارک اوباما تبدیل شد. اوباما با دکترین حزم و احتیاط تمایلی به استفاده از نیروی نظامی برای مقابله با تهدیدهای غیرمستقیم علیه منافع آمریکا ندارد. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۴-۱۳۵)

اوباما و رویکرد پراگماتیسم نسبت به عربستان در موضوع ۱۱ سپتامبر

باراک اوباما به دو دلیل با طرح جاستا در کنگره مخالفت کرد، عربستان سعودی میلیاردها دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده و از طرفی آمریکا هم سرمایه‌گذاری هنگفتی در شرکت آرامکو در داخل عربستان سعودی انجام داده است. عربستان سعودی سالانه میلیون‌ها دلار تسلیحات مختلف از آمریکا می‌خرد. آمریکایی‌ها خدمات فنی، مهندسی و مستشاری زیادی به عربستان ارائه می‌دهند. هنگامی که بحث انتشار گزارش ۲۸ صفحه‌ای کنگره از نقش عربستان در حادثه ۱۱ سپتامبر مطرح می‌شود، عربستان سعودی تهدید می‌کند که دارایی‌هایش را از آمریکا بیرون می‌کشد. عربستان سعودی متحد استراتژیک آمریکا در منطقه خلیج فارس و مجری طرح-های آنها در منطقه است و آنها از مبادلات با عربستان سود هنگفتی می‌برند. (ذاکریان، ۱۳۹۵/ ۲۴/۶)

اوباما و حداقل‌گرایی در اتحاد با سعودی

با روی کار آمدن اوباما با محوریت عدم درگیری در بحران‌های منطقه که همه آنها تاثیر مخربی بر روابط استراتژیک ریاض و ایالات متحده آمریکا در دوره اوباما گذارد، شاهد کاهش نقش آمریکا در غرب آسیا هستیم. چون نتیجه عملی این دکترین رها کردن عربستان سعودی در بحبوحه بحران‌های منطقه‌ای در رقابت با ایران بود و ریاض انتظار داشت آمریکا به نفع متحدین خود به صورت مستقیم وارد عمل شود. تصویب لایحه پیگیری قضایی عربستان به خاطر حملات ۱۱ سپتامبر در سنای آمریکا نمونه عینی از مسائل پرتنش در روابط آمریکا و عربستان سعودی است که تاکنون نظیر نداشته است. (نورعلی وند، ۱۳۹۶: ۱۶-۱۸).

اوباما و تعلیق فروش سلاح به سعودی

باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق آمریکا، در دسامبر ۲۰۱۶ فروش تسلیحات به عربستان سعودی را به حالت تعلیق درآورد. (آقای و درج، ۱۳۹۶: ۵۵) خبرگزاری رویترز به نقل از مقامات آمریکا نوشت: واشنگتن قراردادهای فروش اسلحه از جمله، فروش مهمات و بمب‌های هدایت شونده

دقیق به عربستان سعودی را متوقف خواهد کرد. به دلیل کشته شدن غیرنظامیان، برگزاری دوره‌های آموزش خلبانی به نظامیان سعودی نیز مورد بازنگری قرار گرفت. این تصمیم بیانگر نگرانی دولت اوباما در خصوص اقدامات تجاوزگرایانه عربستان در حمله به یمن است. (شبکه خبری العالم، ۱۳۹۷/۵/۳)

استراتژی ضدتروریسم ترامپ

بیشترین ویژگی که در دکترین ضدتروریسم دونالد ترامپ در شیوه مبارزه با تروریسم مشهود است و خودنمایی می‌کند. وجود نوعی «ابهام یا تناقض راهبردی» است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۶) به بیانی دیگر دونالد ترامپ ضمن اینکه ادعای مقابله با تروریسم را دارد و از طرفی دیگر تعهد مقابله با تروریسم را به متحدانش واگذا می‌کند. (تاکید از نویسنده) او در سخنرانی‌اش بیان کرد که ما می‌خواهیم بر ضد تروریسم عملیات انجام دهیم، و علیه تمامی متخصصان، تامین کنندگان مالی و همچنین حکومت‌هایی که در تامین تروریسم به آنها کمک کردند اقدام کنیم. ما با متحدانمان و شریک‌هایمان با هدف کشف و فروپاشی اینگونه توطئه‌ها، کار می‌کنیم. (donald trump, 2019) در استراتژی ضدتروریسم ترامپ ایده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه ما باید متحدانمان را تحریک کنیم تا مسئولیت بیشتری را در مبارزه با گروه‌های سلفی و بنیادگرا بپذیرند و اقرار می‌کند که ما نیاز داریم به شدت علیه تروریسم اقدام کنیم. او همچنین بیان می‌کند که ما انتظار داریم هزینه‌های پیگیری مبارزه با تروریسم را از طریق متحدانمان کاهش دهیم و هزینه‌هایمان را با عدم مداخله نظامی از طریق افزایش سهم و مسئولیت متحدانمان برای مقابله با گروه‌های تروریستی متوقف کنیم. (world news, 2017)

خرید تسلیحات نظامی عربستان از ترامپ

دونالد ترامپ در سفر به عربستان قرارداد فروش اسلحه به ارزش ۱۱ میلیارد دلار را با پادشاه این کشور به امضاء رساند که شامل: ۱۳.۵ میلیارد جهت خرید ۷ آتش‌بار سامانه پدافند موشکی thad با بازه تحویل ۲۰۲۳ الی ۲۰۲۶ به ارزش ۴.۴۶ میلیارد دلار جهت بهبود و ارتقاء سامانه‌های پدافند پاتریوت، خرید ۱۰۴ هزار عدد مهمات هوا به زمین در ۵ نوع 3 v gbu10, gbu 31, gbu 38, gbu171, bgu12، ۲ میلیون دلار جهت خرید هواپیمای پشتیبانی سبک هوایی به نام ox-x ld، ۲ میلیارد دلار جهت خرید ۴ هواپیمای جدید شبیه به مدل jturs نیروی هوایی آمریکا، ۵۰۸ میلیارد دلار برای خرید ۳ فروند kc-130 و ۲۰ فروند c-130 تا سال ۲۰۲۶، ۳

میلیارد دلار برای خرید کشتی مارک mk-v19 ۶ میلیارد دلار خرید چهار فروند گشن ناو ساخت صنایع لاکهید با طراحی شناورهای زرمی لیورتال، ۲۰۳۵ میلیارد دلار جهت ارتقاء حدود ۴۰۰ خودرو زرهی برادلی و نیز خرید ۲۱۳ دستگاه جدید به ارزش ۱۳۵ میلیارد دلار، ۱۵ میلیارد دلار برای خرید ۱۸۰ هویترز، ۲۰۸۹ میلیارد دلار جهت خرید سیستم c41 و ماهواره سنجش از دور به ارز ۸۰۰ میلیون دلار، دو ماهواره هشدار زود هنگام به ارزش ۴ میلیون دلار و ۴۰ میلیون دلار نیز برای سامانه‌های ارتباطی و ماهواره‌ای. (اقتصاد نیوز، ۱۳۹۶/۳/۲۲)

روند تصاعدی فروش تسلیحات به عربستان در دولت ترامپ

هدف دونالد ترامپ از سفر به غرب آسیا و عربستان امضای قراردادهای تجارتي و تسلیحاتی با اعراب و فروش تسلیحات به ارزش حدود ۵۰۰ میلیون دلار به عربستان بود. گزارش موسسه صلح سیبری نشان می‌دهد واردات تسلیحات سعودی در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۶، ۸۶ درصد و در سال ۲۰۱۷ نیز ۲۱۲ درصد رشد داشته است. عربستان سعودی در سال ۲۰۱۵، ۹۰ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار و ۸۰ میلیون دلار جنگنده f35 و موشک‌های هوا به هوا، هوا به زمین و سطح به سطح خریداری کرده است. (درج و آقای، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۰) در سفر ۲۰ می ۲۰۱۷ دونالد ترامپ به ریاض نیز قراردادی به ارزش حدود ۴۰۰ میلیارد دلار میان آمریکا و عربستان امضاء شد. (اندیشکده راهبردی تبیین، ۹، خرداد ۱۳۹۶)

سرمایه‌گذاری گسترده عربستان در آمریکا

بر اساس سندی که اخیراً منتشر شد، این مساله آشکار گردید که ترامپ در ازای ورود پول‌های عربستان سعودی به بازارهای آمریکا، قول حمایت از ولایت‌عهدی محمد بن سلمان را داده است. طبق این سند محمد بن سلمان کمی پس از انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، طرح کاملی را به ترامپ داده بود، که بیشتر بندهای آن شامل قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های صد میلیارد دلاری تحت عنوان هماهنگی با اهداف برنامه‌های انتخاباتی او بودند. براساس این سند، محمد بن سلمان نام این طرح را «ویکرد عربستان برای مشارکت استراتژیک با آمریکا» و عنوان فرعی «درخواست ارائه شده به رئیس‌جمهور منتخب آمریکا» قید کرده و ترامپ نیز با اجرای آن طی چند مرحله موافقت کرده است. بند اول افزایش دارایی‌های سعودی در آمریکا تا ۲ هزار میلیارد دلار طی چهار سال آتی بوده و بند دوم تعهد به هماهنگی با کشورهای حوزه خلیج فارس برای ایجاد زیرساخت‌های آمریکا به ارزش ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار و مشارکت در

سرمایه‌گذاری‌ها طبق اولویت‌های انتخاباتی است که شامل تعهدات قابل توجه عربستان با آمریکا در حوزه سرمایه‌گذاری در حوزه استراتژیک انرژی و نفت بوده و طبق این قرارداد عربستان در ایجاد ۲۵ میلیون فرصت شغلی در آمریکا طی ۱۰ سال آتی مشارکت خواهد کرد و نیز طرح ایجاد یک منطقه تجاری آمریکا در دریای سرخ تحت نظارت سازمان‌های آمریکایی اجرا خواهد شد. عربستان سعودی یک پایگاه نظامی را در دریای سرخ به آمریکا می‌دهد که این طرح سرمایه‌گذاری سعودی را در ایالات متحده تا یک میلیون دلار ارتقاء می‌دهد. (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۹-۱۵۰)

حمله به سوریه: تحکیم و تداوم روابط استراتژیک

پرزیدنت ترامپ اعلام کرد ماموریت حمله هوایی به سوریه به طور کامل در سپیده دم روز شنبه به اندازه وسعتی که مقامات پنتاگون مشخص کرده است انجام می‌شود. این عملیات یک واکنش بسیار جدی برای با هدف نابودی مرکز تولید و آزمایشگاه سلاح‌های شیمیایی در سوریه است که مقامات پنتاگون گفتند ۷۶ موشک به مرکز توسعه و تحقیقات مواد شیمیایی سوریه شلیک شود. به نقل از مقامات پنتاگون هدف گسترده حملات موشکی انبار بزرگ سلاح شیمیایی واقع در غرب شهر حمص بوده است. حملات موشکی ساعت چهار به وقت محلی روز شنبه طبق گفته مقامات پنتاگون فوق سریع و مستقیم علیه دولت دمشق انجام شد. که اقدامی مناسب و جزئی از رژیم مبارزه با گسترش سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک است. «مایک انزی»^۱ این اقدام را بصورت عملیات جامع درهم شکستن و موثر بودن معرفی کرد. (bailey & fortiz, 2018) همزمان با در دستور کار قرار گرفتن گزارش ۲۸ صفحه‌ای محرمانه در کنگره آمریکا پیرامون مشارکت عربستان سعودی در حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، و اقدام دولت ترامپ به همراهی با ائتلاف غرب در حمله به سوریه اهمیت اقتصاد و انرژی را در شکل‌گیری رابطه بین دو کشور آمریکا و عربستان سعودی نشان می‌دهد. بطور واضح مشخص است که ملاحظات اقتصادی در شکل‌گیری مناسبات راهبردی بین دو کشور اهمیت بسزایی دارد.

سرمایه‌گذاری تصاعدی در آمریکا با هدف رفع اتهام

به گفته منابع آگاه بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی در سفر اخیر به ایالات متحده با سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیون دلاری در شرکت «اندیفور» در هالیوود موافقت کرده است و در ادامه

¹ - Mike enzey

نیز سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری ریاض در آمریکا مورد بررسی قرار گرفت. (پایگاه خبری انتخاب، ۱۳۹۷/۱/۲۷) هدف بن سلمان از سرمایه‌گذاری گسترده اقتصادی در آمریکا زمینه‌سازی برای جایگزین کردن کشورهای دیگر به جای عربستان سعودی به عنوان بازیگر تخریب‌کننده و عامل اصلی رخداد حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است. با توجه به عمق دشمنی حاکمان آل سعود، نواحی محافظه‌کاران، و شخص ترامپ با آرمان‌های جمهوری اسلامی رهبران آمریکا و عربستان سعودی قصد دارند تا جمهوری اسلامی ایران را به عنوان متهم اصلی این حادثه معرفی کنند.

متهم و محکوم کردن جمهوری اسلامی ایران به پرداخت غرامت به جای عربستان سعودی

ترامپ در دیدار با ملک سلمان در کنفرانس ریاض هدف خاصی را دنبال می‌کرد. ترامپ مترصد فرصت برای امتیازگیری بزرگ از سعودی و چشم‌پوشی از نقش این کشور در حادثه ۱۱ سپتامبر بود. این چشم‌پوشی کمک زیادی به قرارداد چند صد میلیاردی جنگ‌افزار عربستان با آمریکا کرد. ترامپ از ایران‌هراسی سود اقتصادی زیادی برد، که نشان از رویکرد دوگانه و پراگماتیسم آمریکا از مبارزه با تروریسم برای رسیدن به اهداف ژئوپلیتیکی دارد. (مولوی‌نیا، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶/۳/۱)

قانون عدالت علیه حامیان تروریسم «جاستا» مصوب ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۶ توسط اوباما وتو شد، اما کنگره با تصویب اکثریت مجدد آن را به قانون تبدیل کرد. این قانون مدعی است که چند نفر از عاملان این حملات با عربستان در تماس بودند. حتی بندر بن سلطان چک ۱۵ هزار دلاری به اسامه بن لادن داده است. با تمام شواهد موجود پیرامون نقش سعودی در ایجاد القاعده و حادثه ۱۱ سپتامبر، قاضی آمریکایی «جورج دانیلز» شواهد قربانیان از سعودی را فاقد ادله لازم اعلام کرده و ریاض را تبرئه کرد و در ۱۱ اردیبهشت سال ۹۷ جمهوری اسلامی ایران، سپاه و بانک مرکزی را در حکم غیابی به ۶ میلیارد دلار بابت دخالت در حادثه ۱۱ سپتامبر محکوم کرد. از نکات جالب این حکم صادر شده این است که مبالغ با میزان بهره سود ۱۷ سال گذشته محاسبه شده است. (پایگاه خبری ربیع، ۱۳۹۷/۳/۱۴)

نتیجه‌گیری

با توجه به رشد فزاینده تروریسم در کشورهای خاورمیانه و شاخ آفریقا این مساله از مهم‌ترین تهدیدات مستمر در آغاز هزاره سوم است. حملات یازده سپتامبر از هولناک‌ترین حوادث تروریستی

در تاریخ بشری است که با حمله به برج‌های ساختمان تجارت جهانی در خاک آمریکا منجر به کشته شدن ۲۹۹۶ نفر شد. عربستان سعودی با داشتن ایدئولوژی بهائیت همواره از ابزار تروریسم در راستای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده می‌کند. سازمان تروریستی القاعده که در افغانستان محصول طراحی عملیاتی سازمان‌های جاسوسی غرب است. که توسط عربستان سعودی حمایت مالی گسترده می‌شود. ایدئولوژی القاعده نیز برگرفته از وهابیت است. رهبران القاعده و تعدادی زیادی معارضان حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر تابعیت سعودی دارند. زوایای پنهان این حادثه تاکنون ذهن بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی در عرصه بین‌المللی را به این موضوع مشغول کرده است. به اینکه طراح، مجری و حامی این حادثه چه کسی بوده است. ظن غالب و مسط نشان از این موضوع دارد که عربستان سعودی متهم اصلی حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر بوده است و این حادثه نیز توسط عملان عربستان در القاعده اجرا و عملیاتی شده است. عربستان سعودی بدلیل دارا بودن سیستم سنتی و غیر مردمی همواره وابسته به حمایت غرب برای حفظ حکومت بوده است. اقتصاد و انرژی شکل رابطه بین دو کشور را به سمت اتحاد راهبردی هدایت کرده است. بنحوی که آمریکا برای حفظ رشد اقتصادی خود نیاز مبرم به انرژی ارزان قیمت و کنترل آن در بازار انرژی دارد که عربستان در این زمینه به خوبی به ایفای نقش می‌پردازد. از طرفی آمریکا برای حفظ موقعیت هژمون خود نیاز دارد تا متحدان دو سوی آتلانتیک یعنی اروپا و آمریکا دسترسی آسان و ارزان به انرژی داشته باشند. این مزیت را وابسته به اعتبار و قدرت هژمون می‌دانند. این ویژگی از شاخص‌های استیلای هژمون بر اقتصاد بین‌الملل است. از موارد مطرح شده مهمتر این موضوع است که عربستان سعودی اجازه تسلط قدرت‌های رقیب آمریکا به انرژی حوزه خلیج فارس را نمی‌دهد و با پول حاصل از فروش نفت اقدام به سرمایه‌گذاری گسترده در آمریکا و خرید تسلیحات نظامی گران قیمت کمک شایانی به حفظ و رشد اقتصادی این آمریکا کرده است به عبارتی دقیقتر پول‌های ناشی از خرید نفت توسط عربستان به آمریکا بازگردانده می‌شود. ایجاد وابستگی اقتصادی بدلیل اهمیت نقش اقتصاد در ثبات و توسعه داخلی کشورها منجر به هدایت مسیر طرفین به سمت اتحاد راهبردی و ایجاد وابستگی می‌شود. به دلایلی که مطرح شد عربستان سعودی به قدری در جهت گیری‌های اقتصادی آمریکا نفوذ کرده است که قدر مسلم می‌توان گفت زمانی که بحث انتشار گزارش ۲۸ صفحه‌ای که نشان از نقش اصلی عربستان در (طراحی، عملیات، و تامین مالی معرضان آنهم با تابعیت سعودی) در حادثه ۱۱ سپتامبر دارد. با تهدید پادشاه عربستان سعودی

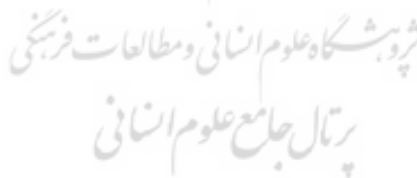
مبنی بر خروج سرمایه کشورش از آمریکا موضوع از دستور بررسی و پیگیری خارج شد. که نشان از ملاحظات شدید اقتصادی آمریکا در رابطه با نوع جهت‌گیری این کشور نسبت به عربستان سعودی و اقدامات این کشور دارد.

در پایان پیشنهاد می‌شود:

۱- پژوهشگران ضمن محکوم کردن سیاست غیر واقع‌بینانه آمریکا نسبت به نادیده گرفتن نقش عربستان سعودی بعنوان مروج تروریسم در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل را مورد تحقیق و بررسی قرار دهند.

۲- نقش غیرسازنده و مخرب این کشور را در استفاده ابزاری از تروریسم دولتی و تروریسم و شبه دولتی با مقاصد سیاسی را به جامعه جهانی تبیین کنند.

۳- با ارائه شواهد و مدارک مستند حضور فعال عربستان را در ایجاد و گسترش گروه‌های تروریستی که عامل تخریب‌کننده در روند صلح و همگرایی در غرب آسیا هستند را مورد بررسی جامع علمی قرار دهند. نقش هماهنگ آمریکا و عربستان را در استفاده ابزاری از تروریسم «القاعده، طالبان، داعش و ...» در راستای اهداف و منافع سلطه‌طلبانه آمریکا و حکام سعودی را مورد بررسی و تحقیق جامع قرار دهند.



منابع فارسی

کتاب

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، نشر سمت
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۸)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس، چاپ هفتم
- میرترابی، سعید (۱۳۸۷)، مسائل نفت ایران، تهران، نشر قومس، چاپ چهارم
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۰)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر سمت، چاپ پنجم
- رابرت فالتزگراف، جمیز دوئرتی (۱۳۷۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس

- سیف‌زاده، حسین (۱۳۶۸)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران، نشر سفیر، چاپ اول

- علی آقابخشی، مینو افشاری‌راد (۱۳۸۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ویرایش ششم
- رابرت، جکسون، گئورک، سورنسون (۱۳۹۱)، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، تهران، نشر میزان

مقالات

- آهویی، مهدی (۱۳۹۵)، تحلیلی بر راهبرد عربستان در خاورمیانه و گزینه‌های محتمل در قبال ایران، پژوهش روابط بین‌الملل، ۱(۲۳)
- ابراهیم متقی، امیر رضانی، فاطمه نکولعل آزاده (۱۳۹۵)، نقش منابع اقتصاد انرژی در گسترش رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۲۰)
- ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۳)، عربستان سعودی و سیستم جدید قدرت و خلیج فارس، مطالعات راهبردی، ۵(۳)
- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۸)، رویکرد عربستان و آمریکا به مسائل منطقه‌ای بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جهان اسلام، ۱۰(۴۰)
- بیگ‌زاده، بهروز (۱۳۹۳)، آینده تولید نفت در عربستان سعودی و تأثیرات ژئوپلیتیک آن، اکتشاف و تولید نفت، ۱۹
- باوند، هرمیداس (۱۳۸۱)، یازده سپتامبر ریشه‌ها و پیامدها، ماهنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۴-۵۵
- فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲/۲/۲۱

- جعفر حیدری قلیزاده، جمال بیگی، مسعود مطلبی (۱۳۹۶)، دگردیسی مفهوم تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل، مطالعات راهبردی حقوق بشر اسلامی، ۸ (۱۲)
- حسن شمسینی غیاثوند، وهاب ملکی کام بخش (۱۳۹۱)، بررسی علل پیدایش و الگوهای رفتاری گروه حقانی، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۳ (۱۰)
- حمید درج، سید داوود آقایی (۱۳۹۶)، جایگاه راهبردی یمن در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ، مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰ (۴۰)
- حسین مسعودنیا، یونس فروزان، عبدالرضا عالیشاهی (۱۳۹۶)، جابجایی قدرت در عربستان سعودی تاثیر ولایتعهدی بر ساختار سیاست خارجی عربستان، رهیافت سیاسی و بین‌المللی، ۸ (۴۷)
- رحمان، عمر (۱۳۹۶)، دگردیسی عربستان سعودی، گزارش کنفرانس موسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن، ترجمه در مرکز بررسی‌های مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری، مترجمان: حنظلّه سلیمانی و جواد عرب یارمحمدی ۱۳۹۷/۵/۱
- علی آدمی، الهه پیروزیان (۱۳۹۰)، تبیین راهبردی امنیتی آمریکا در قبال عربستان سعودی در دوران جنگ سرد، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۸
- فرزاد رستمی، حمیدرضا کریمی (۱۳۹۶)، تبیین عوامل واگرایی در روابط ایالت متحده آمریکا و عربستان سعودی (۲۰۱۰-۲۰۱۶)، پژوهش‌های راهبردی، ۶ (۲۳)
- مرادی، غلامعلی (۱۳۹۲)، روابط امنیتی استراتژیک عربستان سعودی و آمریکا با تاکید بر تحولات خاورمیانه در روابط دو کشور، علوم و فنون نظامی، ۹ (۲۵)
- عباس‌زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۸۹)، القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تاکید بر عراق)، فصلنامه سیاست، ۴۰ (۲)
- علی‌یاری، حسن (۱۳۹۴)، نقش کشورهای غربی در چگونگی شکل‌گیری اندیشه سلفی، بیداری اسلامی، ۴ (۷)
- فاطمه دانشور، سمانه شفیع‌زاده، محسن خلیلی (۱۳۹۲)، دکترین نیکسون و سیاست نفتی ایران در دهه ۱۳۵۰: بررسی مقایسه‌ای براساس مدل پیوستگی جیمز روزنا، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۲ (۲)
- فرزاد ابراهیمی محمدزاده، محمدرضا ملکی، سعید وثوقی (۱۳۹۶)، دونالد ترامپ و میراث واقع‌گرایانه اوباما در خاورمیانه، سیاست جهانی، ۶ (۲)

- قامت، جعفر (۱۳۷۹)، استراتژی آمریکا در خلیج فارس پس از جنگ سرد، مطالعات خاورمیانه، ۷(۴)
- طاهری، ابولقاسم (۱۳۸۷)، استراتژی آمریکا در زمینه انرژی، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۰
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۵)، ثبات هژمونیک در استراتژی اقتصادی-امنیتی آمریکا، مطالعات راهبردی، ۹(۳۴)
- مهدی جاودانی مقدم، حامد حریرفروش (۱۳۹۶)، واکاوی ابعاد سیاست خارجی نوین عربستان سعودی در خاورمیانه، سپهر سیاست، ۵(۱۵)
- مجید گلپور، مجید خراسانی السمعیلی (۱۳۹۵)، بررسی مقایسه‌ای نقش سیاست دوستونی آمریکا در سیاست خارجی ایران و سعودی در دوره پهلوی، مطالعات سیاسی، ۹(۳۳)
- محمدرضا تخشید، مهدی متین (۱۳۹۰)، تسلط بر منابع نفتی استراتژیک خلیج فارس و تهاجم نظامی آمریکا به عراق، مطالعات جهان، ۱(۱)
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵)، سیاست موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و سعودی، سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۶(۴)
- نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۶)، عربستان سعودی تلاش برای موازنه سازی مجدد در برابر ایران، مطالعات راهبردی، ۲۵(۱)

خبرگزاری

- اندیشکده راهبردی تبیین، (۱۳۹۵)، انگیزه‌ها و اهداف قانون عدالت علیه حامیان تروریسم کنگره آمریکا جاستا، سالار نامدار وندایی، شناسه خبر ۱۳۱۹۲. ر.ک به سایت <http://www.mahantelltakfir.com/fa/article/view/223>
- پایگاه خبری الربیع (۱۳۹۷)، تبرئه عاملان ۱۱ سپتامبر و متهم کردن دیگران، ۱۴ خرداد ۱۳۹۷، کد خبر ۳۱۶۹۱۰، در سایت: <http://www.raby.ir.com>
- خبرگذاری تنسیم، عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر و سرخشی که به عربستان سعودی ختم شد، ۱۳۹۵/۶/۲۱. ر.ک به سایت: <http://www.tansim.news.com11395/06/21/1183949>
- خبرگذاری شبکه العالم (۱۳۹۷)، اوباما و تعلیق فروش سلاح به عربستان، قابل دسترس

در

<http://www.fa.alalam.ir/news>

- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۵)، گفت و گو با روزنامه اعتماد، چهارشنبه ۲۴ شهریور، سال ۱۴، شماره ۳۶۲۵.ر.ک به سایت:

<http://www;siasat@etamad newspaper.ir>

- سایت تحلیلی و خبری الوقت (۱۳۹۵/۱۲/۲)، اهمیت ذخایر انرژی عربستان سعودی، قابل دریافت در:

<http://www. alwaght.com/ra/news/88402>

- سایت خبری شکور نیوز (۱۳۹۷/۲/۱۵)، صادرات انرژی عربستان به آمریکا، قابل دریافت در:

<http://www.shakornews.ir>

- سایت خبری اقتصاد نیوز مرجع اقتصاد، (۱۳۹۶)، کد خبر ۲۲، ۲۲، ۱۷۱۷۱۷، ۱۳۹۶/۳ در سایت:

<http://www.eghesadnews.com>

- سایت اندیشکده راهبردی تبیین، (۱۳۹۶)، موضع آمریکا در بال قطر پلیس خوب پلیس بد، مرداد ماه ۱۳۹۶، در سایت:

<http://www.tabyincenter.ir>

- سایت خبری انتخاب، (۱۳۹۷)، ۲۰۰ میلیارد دلار به اضافه، معامله قرن بهای تحریم ایران، ۲۷ فروردین، کد خبر ۴۰۳۵۱ در سایت:

www.entekhab.ir/fa/news/400351/200

- سیفی، یوسف (۱۳۹۷)، چالش‌های انتقال قدرت سیاسی در عربستان، ۳ شهریور، کد خبر: ۲۰۸-۰۸-۲۴۴۴/۱۵.ر.ک به سایت:

<http://www.cemess.ir/page/view>

- عمادی، سیدرضی (۱۳۹۳)، ارزیابی روابط آمریکا و عربستان سعودی از منظر تبادل اقتصادی، ۲۷ خرداد، شماره خبر ۱۹۶۳۳.ر.ک به سایت:

<http://www.tabyincentetr.ir>

- مولودی نیا، هادی، (۱۳۹۶)، خبرگذاری جمهوری اسلامی، ۱/۳/۹۶، کد خبر ۸۲۰۵۹۴۵.ر.ک به سایت:

www.irna.ir/fa/news.ir

English Resources

Book

- gilpin,r.(1981), **war and change in world politics**.cambridge;Cambridge university press

Articles

- Alshamsi, mansoor jassem (2011), **islam and political reform in Saudi arabia the quest for political cheng and reform**, rublege, London and newyork

Site

- may 6, 2017/2;03 am/ **ayearago txilusive;trump counterteroeism strategy urgs allies to do more jonthan londy, warren strobel**
- European journal of social science issn 1450-2267, vol.54 no3 march, 2017. [Http://www.ruropeanjournalofsocialsciences.com](http://www.ruropeanjournalofsocialsciences.com)
- gao-09-883u.s-saudi conterterrorism efforts.p0-septembr2009/united stases government accountability office/report to congressional requesters./finance1-8253kb
- Washingtonpost, 2003seealsocolorsld.leonong, judgerejrctsayditeroristlink, washingtonpost, november15
- Al-tarawneh, mekhled erkhyees&khalailah yaseryousef, (2017), **the justice agai-nt sponsors of terrorism act(jasta)and orthodoxies of international law**, European journal of social sciences issn 1450-2267 vol.54 no 3march, <http://www.europeanjournalofsocialsciences.com>

